

بررسی حق آگاهی مردم به عنوان یک حق اساسی^۱

محمد حسن حبیبی^۲

چکیده

حق آگاهی از جمله حقوق شهروندی است. این حق دارای ابعاد گسترده‌ای می‌باشد. از سویی حق جستجو یا دسترسی به اطلاعات را می‌توان یکی از ضروری‌ترین عناصر آزادی بیان دانست و از دیگر سوی مردم سالاری نیز بدون تضمین حق آگاهی نمی‌تواند متضمن آینده‌ای روشن باشد. حق آگاهی دارای دو مفهوم مضیق و موسع می‌باشد. این حق در مفهوم مضیق آن، آزادی در جستجوی اطلاعات را مد نظر قرار می‌دهد، اما مفهوم موسع آن، شامل حق دسترسی به اطلاعات یا حق دریافت اطلاعات است. گاه، مصلحت‌اندیشی کارگزاران دولت می‌تواند مساعی عمومی را برای کسب اطلاعات از دولت و ارکان دولتی دارنده اطلاعات، محدود کند. آزادی اطلاعات، مستلزم حق دستیابی عموم به اطلاعات تحت کنترل مقامات عمومی است و این حق نه تنها به عنوان لازمه دموکراسی، پاسخگو بودن مقامات و مشارکت مؤثر مردم، مدت‌مدیدی است که مورد شناسایی واقع شده، بلکه تحت عنوان یکی از حقوق بنیادین بشر به موجب قوانین بین‌المللی و قوانین اساسی کشورها مورد حمایت قرار گرفته است. حق همگانی دسترسی به اطلاعات در اختیار دولت، بیش از ۲۰۰ سال است که به عنوان قانون در نظام حقوقی کشور سوئد به رسمیت شناخته شده است، ولی در سه دهه اخیر ما شاهد پذیرش گسترده آن هم در سطح کشورها و هم در سطح سازمانهای بین‌المللی هستیم. در این دوران، دولتها، سازمان‌های بین‌المللی، مؤسسات مالی بین‌الدولی قوانینی را تصویب کرده و خط‌مشی‌هایی را پیش گرفته‌اند که هر یک در برگیرنده تمهیداتی به منظور دسترسی به اطلاعاتی است که در اختیار ارکان عمومی حکومت قرار دارند

مقاله حاضر ضمن تحلیل مفهومی حق آگاهی به بررسی جایگاه آن در اسناد و مقررات داخلی و بین‌المللی می‌پردازد.^۳

کلید واژه‌ها: حق بر آگاهی، قانون اساسی، حقوق شهروندی.

^۱ تاریخ دریافت: ۱۳۸۲/۷/۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۸۲/۱۰/۱

^۲ عضو هیأت علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

^۳ جایگاه حق آگاهی مردم در نظام حقوقی ایران موضوع تحقیقی است که مجری آن آقای محمد حسن حبیبی می‌باشد و آقای امیر ساعد وکیل همکار طرح مذکور است و این مقاله با همکاری آقای امیر ساعد وکیل تهیه شده است.

حق آگاهی از جمله حقوق شهروندان است که دارای ابعاد گسترده‌ای است. دستیابی به اطلاعات درست در خصوص مسائل و حوادث داخلی و بین‌المللی و نیز آزادیهای مطبوعاتی، چاپ و نشر، ایجاد مؤسسه انتشاراتی، ممنوعیت سانسور، کوشش در بی‌طرفی و سلامت مطبوعات و ایجاد مقررات دقیق در باب وسایل ارتباط جمعی از جمله رادیو و تلویزیون از حقوق مردم در بهره‌گیری از اطلاعات در نظام مردم‌سالار به حساب می‌آید.

حق آگاهی در مفهوم مضیق آن، آزادی در جستجوی اطلاعات می‌باشد و در مفهوم موسع آن حق دسترسی به اطلاعات یا حق دریافت اطلاعات است. اما مصلحت‌اندیشی کارگزاران دولت می‌تواند دخالت در مساعی عمومی را برای کسب اطلاعات از دولت و ارکان دولتی دارنده اطلاعات، محدود کند. دولتها نمی‌توانند بهانه مصلحت، مردم را در بی‌خبری نگهدارند، اگر مردم ندانند که در جامعه آنها چه می‌گذرد و اگر اعمال حاکمان از مردم مخفی بماند، چگونه می‌توانند سهمی در تعیین سرنوشت خویش داشته و یا در اداره امور جامعه بیابند.

پاسخگو بودن دولت و حکومت، تقویت دموکراسی را در سراسر دنیا به همراه داشته‌بگونه‌ای عده‌ای اطلاعات را اکسیژن دموکراسی نامیده‌اند. حمایت قانونی از این حق بطور فزاینده‌ای زمینه قوام دموکراسی را فراهم می‌کند، حق دسترسی به اطلاعات، حق آزادی بیان، حق مشارکت سیاسی همگی از آزادیهایی هستند که زمینه استمرار حاکمیت مردم را در نظام جمهوری تسهیل می‌کند. الزام دولت به انتشار اطلاعات در باب عملکرد حکومت، می‌تواند باعث ارتقاء دانش عمومی گردد. فشار روی دولت‌ها به عنوان وظیفه منتشر کردن جزئیات وقایع با دادن اطلاعات سبب آگاهی عمومی بطور گسترده می‌شود و مبنایی برای تصمیم‌گیری آگاهانه خواهد بود. حقوق اطلاعاتی در معاهدات حقوق بشری جهانی و منطقه‌ای در اسناد حقوقی و حتی در سطح حقوق داخلی از جمله در قوانین اساسی و قوانین داخلی تدارک شده‌اند که در این مقاله سابقه آن در اسناد مختلف حقوقی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

حقوق اطلاعاتی در بعد دیگر آن، وظیفه فراهم کردن اطلاعاتی است که در اختیار مقامات عمومی قرار دارد. منظور از عنوان مقامات عمومی به معنی کلیه اقدامات اجرائی توأم با مسؤولیت مرتبط با امور جامعه است. دسترسی به اطلاعات برای هر شخص حقیقی و حقوقی قابل اعمال است. کسب اطلاعات شرط لازم برای ایفای نقش اساسی بوسیله مردم است که از طریق مشارکت در تصمیم‌گیری مخصوصاً با حق تعیین سرنوشت اجتماعی و سیاسی آنان رابطه مستقیم دارد. حق مشارکت دارای دو جزء ترکیبی است یکی حق آگاهی و دیگری اثرگذاری از راه تصمیم‌گیری است. مردم‌سالاری بدون آگاهی نمی‌تواند تضمین‌کننده آینده‌ای روشن باشد. حق برخورداری از جبران خسارت در برخی موارد از مقررات حقوق بشر شامل تخلفات دولت از حق کسب آگاهی نیز می‌گردد. تضمین برخورداری از آگاهی و مشارکت در تصمیم‌گیری در بسیاری از قوانین ملی و بین‌المللی بطور گسترده‌ای مطرح شده‌اند. دسترسی به اخبار و اطلاعات شرط لازم مشارکت عمومی در اتخاذ تصمیم و نظارت بر فعالیتهای دولتی است و می‌تواند نقش مهمی در طرح توسعه سیاسی و بهره‌گیری بهینه از نقش مردم در نظام مردم‌سالار را فراهم نماید.

گرایش‌های جهانی به سوی آزادی اطلاعات

امروزه در میان تمامی اعضاء جامعه بین‌المللی یعنی کشورها، سازمانهای بین‌الدولی، نهادهای جامعه مدنی و افراد، تمایل به سمت پذیرش حق بهره‌مندی از اطلاعات مشاهده می‌شود و به نظر خیلی از صاحب‌نظران، این موضوع را باید در متن مجموعه مورد حمایت حقوق بشر گنجانند. در چند سال اخیر در جهت تحقق این حق، خیلی از قوانین کشورها، مقرراتی را در این مورد مقرر داشته‌اند که اجرای این حق را لازم‌الاجرا نموده است. در بسیاری از سازمان‌ها دیده می‌شود که در یک فرآیند منظم، اقدام به افشاء و عرضه اطلاعات می‌نمایند.

این حق پیش از آنکه بعنوان یک عامل زیربنایی در دموکراسی خوانده شود، یکی از حقوق بنیادین بشری است که از ارتباط عمیقی با کرامت ذاتی تمام موجودات انسانی برخوردار می‌باشد. ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب مجمع عمومی ملل متحد در ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸، اطلاعات را به مثابه اکسیژن دموکراسی توصیف می‌کند.^۴ چطور می‌توان تصور کرد که شهروندان در یک جامعه سیاسی بدون دسترسی آزادانه به اطلاعات مورد نیاز خود به توانند بطور آگاهانه در انتخابات شرکت جسته یا در راستای تعیین سرنوشت جامعه خود در شئون گوناگون، در فرآیندهای تصمیم‌گیری، حضور مؤثری داشته باشند؟

در دنیای معاصر، معیارهایی چون پاسخگو بودن مقامات و مسئولین و اتخاذ تدابیر حکومتی شایسته از نکاتی هستند که نگاه ناظرین بین‌المللی را به خود معطوف کرده است و اینها در حالی است حق بهره‌مندی آزادانه از اطلاعات باید بعنوان پیش فرض و مقدمه تحقق یافته باشد. اختفاء و تمایل صاحب‌منصبان به پنهان‌کاری نتیجه‌ای جز پرورش زمینه سوءاستفاده از قدرت، سوءمدیریت و استبداد رانخواهد داشت. بر همین مبانی است که هیچ دولتی در حال حاضر نمی‌تواند رسماً حق مردم را در بهره‌مندی از اطلاعات انکار کرده یا ضرورت شفافیت بخشیدن به اقدامات مقامات عمومی را به عنوان یک اصل بنیادین دموکراسی و پاسخگو بودن دولت در برابر ملت رد کند.

در خصوص این مهم، رسانه‌ها از نقش کلیدی برخوردار هستند، در واقع این نهادهای اطلاع‌رسانی همگانی بعنوان یک دیده‌بان و ناظر اقدامات مسئولین و مؤثر در افزایش و بالا بردن جریان اطلاعات به روی مردم باید ایفای نقش کنند. در مقابل این رسالت دیده می‌شود که نه تنها طبقه حاکم با پنهان‌کاری و تقویت فرهنگ اختفاء مانع از فعالیت نهادهای اطلاع‌رسانی می‌گردد بلکه در رویه خود و وضع قوانینی به محدود کردن بیش از پیش آزادی بیان بر مبنای یکسری معیارهای غیرمعقول همت می‌گمارند. با وجود تفاوت‌هایی که در چهارچوب حقوقی کشورهای مختلف دیده می‌شود می‌توان رویه‌هایی مثل صدور مجوز نشر رسانه، وضع قوانین و مقرراتی در خصوص توهین همراه با مسئولیت کیفری که همگان رابه سکوت ترغیب می‌کنند و حتی بکارگرفتن نظام سانسور را در این مسیر می‌توان یافت. باید اضافه کرد که ساختار دولتی نهادهای بزرگ اطلاع‌رسانی و نظارت دولت بر انجام سرمایه‌گذاران کلان عمومی در رسانه‌ها موجب شده است که اغلب رسانه‌ها از رسالت اصلی خود یعنی خدمت در جهت منابع عمومی و پخش گزارش‌های خبری بیطرفانه باز بمانند. با این همه

^۴-The Public's Right to know: Principles on Freedom of Information legislation (London:Article 19, 1999), preface.

می‌توان دریافت که مردم و نهادهای مدنی با حمایت سازمان‌های بین‌الدولی، فشار زیادی را بر شناسایی این حق از سوی دولت وارد می‌کنند و در موارد زیادی دادگاه‌ها اقدام در این سمت و سو را برگزیده‌اند.

۱- آزادی اطلاعات یک حق بشری مورد حمایت بین‌المللی

آزادی اطلاعات، مستلزم حق دستیابی عموم به اطلاعات تحت کنترل مقامات عمومی است و این حق نه تنها به عنوان لازمه دموکراسی، پاسخگو بودن مقامات و مشارکت مؤثر مردم، مدت‌مدیدی است که مورد شناسایی واقع شده، بلکه تحت عنوان یکی از حقوق بنیادین بشری به موجب قوانین بین‌المللی و قوانین اساسی کشورها مورد حمایت قرار گرفته است.

حق همگانی دسترسی به اطلاعات در اختیار دولت، بیش از ۲۰۰ سال است که به عنوان قانون در نظام حقوقی کشور سوئد به رسمیت شناخته شده است، ولی در سه دهه اخیر ما شاهد پذیرش گسترده آن هم در سطح کشورها و هم در سطح سازمان‌های بین‌المللی هستیم. در این دوران، دولتها، سازمان‌های بین‌المللی، مؤسسات مالی بین‌الدولی قوانینی را تصویب کرده و خط‌مشی‌هایی را پیش گرفته‌اند که هر یک در برگیرنده تمهیداتی به منظور دسترسی به اطلاعاتی است که در اختیار ارکان عمومی حکومت قرار دارند. هسته اصلی حق بهرمندی از اطلاعات را باید در حق آزادی بیان یافت. آزادی اطلاعات در بطن خود مستلزم حق جستجو، دریافت و انتقال اطلاعات و اندیشه‌ها می‌شود. به عبارت دیگر این حق در یک مفهوم کلی از دموکراسی و کلیت سیستم حمایت از حقوق بشر ناشی شده که بدون آن، نظام حمایت از حقوق بشر راه به جایی نخواهد بود و بر همین اساس آزادی اطلاعات را باید به مثابه یک حق بشری پایه‌ای دانست که دیگر حقوق بدان وابسته‌اند.

تضمین حق بهره‌مندی از اطلاعات بسته به آن است که محتوای آن در قالب قانون تصویب و الزام به رعایت آن بطور روشن در مقررات یا سیاست‌های الزام‌آور ارکان بین‌المللی تبیین گردد.

با تحقیق در منابع مختلف می‌توان یک سلسله معیارهای حداقلی را در خصوص ایجاد قواعدی در جهت آزادی اطلاعات نام برد که عبارتند از^۵:

* اصل حداکثر افشاء

* تعاریف موسع از اطلاعات و ارکان عمومی حکومت

* تعهد دولت در انتشار مجموعه‌های کلیه اطلاعات

* تفسیر و تنظیم استثنائات بطور مضیق و روشن

* نظارت بعدی مؤثر بر این حق توسط یک رکن اجرایی مستقل.

۲- موازین بین‌المللی

تعدادی از ارکان بین‌المللی به همان ترتیبی که نیاز به قانونگذاری مؤثر جهت تأمین احترام به حق آزادی اطلاعات را پذیرفته‌اند در مسیر ایفای تکالیف خویش به منظور ارتقاء و حمایت از حقوق بشر، قائل بر ماهیت حقوقی و بنیادی حق بهره‌مندی از آزادی اطلاعات هستند.

^۵ - [http:// www. Article 19. org/docimages/1116.htm](http://www.Article19.org/docimages/1116.htm)

در سال ۱۹۴۶ مجمع عمومی ملل متحد با تصویب قطعنامه (۱) ۵۹ تأکید کرد که آزادی کسب اطلاعات یکی از بنیادی‌ترین حقوق بشر و آزادی‌هایی است که ملل متحد برای تحقق آن بوجود آمده و از شورای اقتصادی و اجتماعی دعوت کرد که کنفرانسی در این زمینه ترتیب دهد. این قطعنامه ابراز می‌کند: «آزادی اطلاعات یک حق بشری بنیادین است و معیار تمام آزادی‌هایی است که ملل متحد از آن‌ها یاد کرده و جهت تحقق آنها بوجود آمده است».^۶ این کنفرانس در سال ۱۹۴۸ در ژنو تشکیل شد و سه طرح مقاوله‌نامه تحت عنوان مقاوله‌نامه جمع‌آوری و پخش بین‌المللی اخبار، مقاوله‌نامه حق بین‌المللی تصحیح و مقاوله‌نامه بین‌المللی کسب اطلاعات تهیه و تقدیم داشت که دو طرح اول در سال ۱۹۴۹ به تصویب مجمع عمومی رسید و طرح سوم در سال ۱۹۶۲ به صورت یک اعلامیه توسط شورای اقتصادی و اجتماعی صادر و اعلام گردید.

در اسناد بین‌المللی بعدی، آزادی اطلاعات به عنوان یک موضوع مجزا مورد توجه قرار نگرفته ولی به عنوان بخشی از حق بنیادین آزادی بیان عنوان شده که شامل حق جستجو، دریافت و انتقال اطلاعات می‌باشد. در ۱۹۴۸ مجمع عمومی ملل متحد، اعلامیه جهانی حقوق بشر^۷ را تصویب کرد.^۸ در ماده ۱۹ آن که آزادی عقیده و بیان مورد تضمین است: «هر کس حق آزادی عقیده و بیان دارد. این حق شامل آزادی داشتن عقیده بدون دخالت به جستجو، دریافت و انتقال اطلاعات و اندیشه‌ها از طریق هر رسانه و بدون توجه به مرزهاست».^۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی^{۱۰} یک معاهده الزام‌آور حقوقی است که توسط مجمع عمومی ملل متحد در ۱۹۶۶ تصویب شد.^{۱۱} کمیسیون حقوق بشر در سال ۱۹۴۶ توسط شورای اقتصادی و اجتماعی ملل متحد تأسیس شد و هدف آن ارتقاء سطح رعایت موازین حقوق بشر بود که مرکب از ۵۳ نماینده کشورهای عضو است و هر ۳ سال یکبار تجدید انتخاب می‌شوند. این کمیسیون، معتبرترین نهاد حقوق بشری ملل متحد است که اجلاس سالیانه آن جهت بحث و صدور قطعنامه، تصمیمات و گزارش‌هایی در خصوص مسایل موضوعی حقوق بشر در سطح کشورها بر پامی گردد.

کمیسیون حقوق بشر در سال ۱۹۹۳، دفتر گزارشگر ویژه ملل متحد را در خصوص آزادی عقیده و بیان تأسیس کرد و عابد حسین^{۱۲} را در این سمت منصوب نمود.^{۱۳} این نهاد، وظیفه تشریح و توجه بیشتر به حق آزادی بیان و عقیده را دارد. در سال ۱۹۹۵ گزارشگر ویژه در گزارش خود اشاره کرد: «حق جستجو یا دسترسی به اطلاعات یکی از ضروری‌ترین عناصر آزادی بیان است»^{۱۴}. او دوباره در سال ۱۹۹۷ این موضوع را مد نظر قرار داد و از همان سال، یک بخش تفسیری

^۶ - 14 December 1946.

^۷ Universal Declaration of Human Rights (U.D.H.R.).

^۸ Resolution 217 A (111) 10 December 1948.

^۹ International Covenant on civil and political Rights. (I.C.C.P.R.).

^{۱۰} Resolution 2200 A (xxI) 16 December 1966, entered in to force 23 March 1976.

^{۱۱} Abid Hussain.

^{۱۲} Resolution 1993/45, 5 March 1993.

^{۱۳} گزارش گزارشگر ویژه، ارتقاء و حمایت از حق آزادی عقیده و بیان،

UN Doc.E/CN.4/1995/31, 14 December 1995, para. 35.

درخصوص حق بهره‌مندی از آزادی اطلاعات در هر یک از گزارش‌های سالیانه خود که باید به کمیسیون حقوق بشر تقدیم می‌نمود اضافه کرد. بیان او در سال ۱۹۹۷ اشعار بر آن دارد:

> گزارشگر ویژه، یکبار دیگر تأکید می‌کند که گرایش خیلی از دولتها به امتناع از ارائه اطلاعات به مردم بطور گسترده‌ای از طریق تدابیری مثل سانسور جداً باید مورد بررسی واقع شود^{۱۴}.

بخش تفسیری گزارش وی با استقبال اعضاء کمیسیون حقوق بشر روبرو شد تا جایی که کمیسیون، گزارشگر ویژه را به توسعه بیشتر و تشریح حق جستجو و دریافت اطلاعات و بسط و تسری آن به حیطه مسئولیت ناظرین خود و توصیه‌نامه‌هایی در این ارتباط فرا خواند.^{۱۵}

گزارشگر ویژه در گزارش سالیانه خود در سال ۱۹۹۸ اعلام کرد که آزادی اطلاعات، شامل حق دسترسی به اطلاعاتی است که توسط دولت نگاهداری می‌شود. > حق جستجو، دریافت و انتقال اطلاعات، یک تعهد مثبت را بر دولتها تحمیل می‌کند تا دسترسی به اطلاعات، خصوصاً آن دسته اطلاعاتی که در اختیار دولت است و به هرگونه درسیستم‌های ذخیره و بازاریابی اطلاعات وجود دارد را تضمین کند^{۱۶}. دیدگاه‌های وی مجدداً مورد استقبال اعضاء کمیسیون حقوق بشر واقع گردید.^{۱۷}

گزارشگر ویژه ملل متحد در گزارش خود به کمیسیون در سال ۲۰۰۰، توضیحات خود را درخصوص آزادی اطلاعات با توجه به اهمیت اساسی دموکراسی و حق مشارکت و درک و تحقق حق توسعه متمرکز نمود.^{۱۸} وی همچنین نگرانی خود درباره گرایش دولتها و مؤسسات دولتی به ممانعت از ارائه اطلاعاتی که در حقیقت متعلق به مردم است به مردم تکرار کرد.^{۱۹}

وی پس از توجه به اهمیت بنیادی آزادی اطلاعات به عنوان یک حق بشری در گزارش سال ۲۰۰۰ خود، ملاحظات زیر را مطرح ساخت: > گزارشگر ویژه، توجه دولتها را به تعدادی از زمینه‌ها جلب می‌کند و آنها را ملزم می‌سازد که مقررات موجود را بازبینی کرده یا مقررات جدیدی در خصوص دستیابی به اطلاعات و تضمین تطابق آن با این اصول کلی تصویب کنند :

^{۱۴} گزارش گزارشگر ویژه، ارتقاء و حمایت از حق آزادی عقیده و بیان

UN Doc. E/CN.4/1997/31. 4 February 1997.

^{۱۵} Resolution 1997/27, 11 April 1997, para. 12 (d).

^{۱۶} گزارش گزارشگر ویژه، ارتقاء و حمایت از حق آزادی عقیده و بیان،

UN Doc. E/CN.4/ 1998/40, 28 January 1998, para. 14.

^{۱۷} Resolution 1998/42, 17 April 1998, para. 14.

^{۱۸} گزارش گزارشگر ویژه، ارتقاء و حمایت از حق آزادی عقیده و بیان

^{۱۹} گزارش گزارشگر ویژه، ارتقاء و حمایت از حق آزادی عقیده و بیان 17، پیشین، پاراگراف ۴۳.

* مقامات عمومی متعهد به افشای اطلاعات بوده و هر یک از افراد بطور یکسان دارای حق دریافت اطلاعات هستند؛ [اطلاعات شامل هر سندی می‌شود که در اختیار یک رکن عمومی است، بدون توجه به نحوه ذخیره و نگهداری می‌باشد].

* آزادی اطلاعات دلالت بر آن دارد که مقامات عمومی بطور گسترده، اسناد مهم مربوط به منافع عمومی مثل اطلاعات اجرایی درباره چگونگی ایفای وظایف یک مقام و رکن عمومی و محتوای هر تصمیم یا سیاستی که عموم مردم را تحت تأثیر قرار می‌دهد را منتشر و توزیع نمایند؛

* به عنوان یک حداقل، قانون آزادی اطلاعات باید حاوی مقرراتی در زمینه آموزش و انتشار اطلاعات مربوط به حق دسترسی به اطلاعات باشد. این قانون همچنین باید راهکارهایی را که در تقابل با فرهنگ اختفاست مستقر سازد؛

* عدم پذیرش افشای اطلاعات نمی‌تواند مبتنی بر هدف حمایت از دولتها از نابسامانی یا افشای خطا باشد؛ [فهرست کامل اهداف مشروعی که ممکن است عدم افشای آنها توجیه شود باید در این قانون مقرر شده و تمامی استثنائات بطور مضیق تنظیم گردد تا از شمول مباحثی که به منافع مشروع لطمه‌ای وارد نمی‌آورد، اجتناب گردد].

* مقامات عمومی موظف هستند که در درون سیستم خود، نظامی قابل دسترسی به منظور تضمین حق عموم به دریافت اطلاعات مستقر سازند، این قانون باید محدودیت‌های زمانی دقیقی برای فرآیند تقاضای اطلاعات مقرر داشته و مقام عمومی در صورت عدم پذیرش تقاضا، ملزم به ارائه پاسخ کتبی همراه با دلایل اساسی رد آن می‌باشد؛

* هزینه دسترسی و کسب اطلاعات نباید آنقدر سنگین باشد که متقاضیان احتمالی را منصرف ساخته و نقض غرض خود قانون باشد؛

* چنین قانون باید مقوم این اصل و پیش فرض باشد که دیدار با همه مقامات عمومی و حکومتی برای همگان میسر است؛

* این قانون باید متضمن الزاماتی باشد که بر آن اساس، قوانین دیگر تا جای ممکن بگونه‌ای تفسیر شوند که مفاد آن همسو با مقررات این قانون باشد؛ نظام استثنائات مقرر برای حقوق آزادی اطلاعات باید دقیق تنظیم شده و اجازه تجاوز از موارد تصریح شده را نداده و جامع باشد؛

* افراد در صورت کسب اطلاعاتی مثل ارتکاب یک جرم کیفری، کوتاهی در رعایت تعهدات قانونی، عدم صداقت و کوتاهی جدی در اداره رکن عمومی از سوی یک مسئول لازم است که در برابر مجازاتهای حقوقی، اداری و یا استخدامی مورد حمایت قرار گیرند^{۲۰}.

همین‌طور سازمان ملل متحد، در جریان اداره سرزمین بوسنی هرزگوین، حق بنیادین دسترسی به اطلاعات تحت کنترل دولت را پذیرفته و در سال ۱۹۹۹ نماینده عالی اعزامی به بوسنی و هرزگوین^{۲۱}، تصویب مقررات آزادی اطلاعات را مطابق عالی‌ترین موازین بین‌المللی جهت حمایت عملی از حق آزادی بیان لازم می‌داند.

۲-۱-۲- سازمان‌های بین‌الدولی

در طول دهه گذشته، فعالیت‌هایی از سوی سازمان‌های بین‌الدولی به منظور برسمیت شناختن حق دسترسی به اطلاعاتی که در اختیار مقامات عمومی می‌باشد، آغاز گردیده است. سازمان‌های بین‌المللی روزه روز از اهمیت بیشتری در زندگی مردم سراسر دنیا برخوردار می‌شوند. مؤسسات اقتصادی بین‌الملل، مخصوصاً در کشورهای در حال توسعه این قابلیت را دارند که با نفوذ خود، سیاست‌های کلان اقتصاد ملی، طرح‌ها و ساختارهای دولتی را مثل اولویت‌های توسعه تحت تأثیر قرار دهند^{۲۲}. تصویب اعلامیه ۱۹۹۲ ریو در مورد توسعه و محیط زیست، نقطه عطف مهمی در این فرآیند بود که فشار زیادی را جهت اجرای خط مشی‌های مشارکت عمومی و دسترسی به اطلاعات، بر نهادهای بین‌المللی وارد آورد.

برنامه عمران ملل متحد^{۲۳}، سیاست افشای اطلاعات عمومی را در ۱۹۹۷ به تصویب رساند.^{۲۴} به ترتیب مطابق پاراگراف‌های ۶ و ۱۵ این مصوبه با این پیش فرض که اصل، افشای اطلاعات است، استثنائاتی به شرح زیر مقرر می‌باشند: اطلاعات خصوصی، مالکیت فکری در قالب اسرار تجاری یا اطلاعات مشابهی که موجب شرایط محرمانه برای برنامه عمران ملل متحد افشاء شده و انتشار آن بطور فزاینده‌تر موجب ورود آسیب‌های مالی و غیره خواهد شد. در این مصوبه در بندهای ۱۱ و ۱۴ اسناد خاصی که باید در دسترس عموم قرار گیرند بر شمرده است.

نهادهای مالی بین‌المللی هم مثل ملل متحد بر اساس اصول اساس دموکراسی نظیر مشارکت عمومی در تصمیم‌سازی و دسترس عمومی به اطلاعات، حق آزادی اطلاعات را به رسمیت شناخته‌اند. از جمله این نهادها می‌توان به بانک جهانی، بانک توسعه بین کشورهای آمریکایی، گروه بانک توسعه آفریقایی، بانک توسعه آسیایی و اروپایی اشاره کرد که در بین سال‌های ۱۹۹۴ تا ۱۹۹۶ به این مهم پرداخته‌اند. پیمان ماستریخت که در ۷ فوریه ۱۹۹۲ توسط وزرای امور خارجه کشورهای عضو اروپایی امضاء شد و در ۱۹۹۳ به اجرا در آمد و اتحادیه اروپا تأسیس می‌کند، تبیین‌کننده اولین گام‌ها به سوی سیاست شفافیت و درهای باز است و سند نهایی کنفرانس را در این زمینه تحت عنوان اعلامیه حق دسترسی به اطلاعات را در بر می‌گیرد: این کنفرانس، شفافیت روند تصمیم‌گیری را بر این پایه که تقویت‌کننده ماهیت دموکراتیک نهادها و اسرار عمومی در قوه مجریه است مورد نظر قرار می‌دهد. کنفرانس توصیه می‌کند که کمیسیون اروپایی تا قبل از اختتام سال ۱۹۹۳

^{۲۱} این مأموریت توسط قطعنامه ۱۰۳۱ مورخ ۱۵ دسامبر ۱۹۹۵ شورای امنیت در راستای موافقتنامه صلح دیتون مقرر شد.

^{۲۲} C Saladin, public participation: An Essential Component of a sustainable Economy (Washington, D.C.: the Centre for International Environmental law, November 1998), 1.

^{۲۳} United Nations Development program. (U.N.D.P).

^{۲۴} Public Information Disclosure policy, UNDP, 1997.

گزارش درخصوص تدابیر اتخاذ شده به منظور پیشبرد امر دسترس عمومی به اطلاعات در دسترس نهادهای تهیه و شورای اروپا تقدیم کند. به منظور اینکه به این حق، اثر اجرایی بیشتری بخشیده شود پارلمان و شورای اروپا در می سال 2001 اقدام به تدوین و تصویب مقررات و قوانینی درباره دسترسی به اطلاعات و اسناد کردند.^{۲۵}

۲-۱-۳- کشورهای مشترک المنافع

اجتماعی از ۵۴ کشور دنیا را که با توجه به ارتباط تاریخی خود بطور داوطلبانه بدور هم جمع شده اند را مجموعه کشورهای مشترک المنافع می گویند. این اجتماع، در سال ۱۹۹۱ طی اعلامیه ای اقدام به تدوین ارزش های سیاسی بنیادین میان اعضا نمود. از جمله این ارزش ها تحقق حقوق اساسی بشر و حق غیر قابل انتقال فردی در مشارکت است که از طریق ابزار فرآیندهای آزاد و دموکراتیک در تکوین جامعه مؤثر هستند.^{۲۶} اهمیت آزادی اطلاعات توسط کشورهای مشترک المنافع بیش از دو دهه است که به رسمیت شناخته شده و به مفهوم حق دسترسی به اطلاعاتی است که در اختیار دولتند. نتیجه دیدار وزاری دادگستری کشورهای مشترک المنافع دربار با روس در سال ۱۹۸۰ اعلام این مطلب بود که > مشارکت عمومی در روند دموکراتیک و دولتی وقتی کامل خواهد بود اگر شهروندان دسترسی کافی به اطلاعات رسمی داشته باشد <^{۲۷}.

اخیرت کشورهای مشترک المنافع، گامهای مهمی در تبیین محتوای این حق برداشته اند. در مارس ۱۹۹۹ اجلاس گروه کارشناسان کشورهای مشترک المنافع در لندن طی سند مصوب خود برخی اصول حاکم بر حق دانستن و آزادی اطلاعات را به عنوان یک حق بشری به رسمیت شناخت:

> آزادی اطلاعات را باید به عنوان یک حق با ماهیت حقوقی و قابل اجرا که به افراد، اجازه تحصیل مدارک و اطلاعات تحت کنترل قوه مجریه، قضائیه، مقننه، شرکتهای دولتی و هر رکنی که به ایفای تعهدات عمومی می پردازد مورد تضمین و حمایت قرار می دهد <^{۲۸}.

این قواعد در می ۱۹۹۹ در اجلاس وزاری دادگستری کشورهای مشترک المنافع به تصویب رسید.^{۲۹}

^{۲۵} - Regulation (EC) NO. 1049/2001 of the European parliament and of the council of 30 May 2001 Regarding public access to European parliament, council and commission documents .

^{۲۶} اجلاس سران دولتهای مشترک المنافع، ۲۰ اکتبر ۱۹۹۱، پاراگراف های ۴ و ۹. همچنین به اجلاس سران دولتهای مشترک المنافع در تاریخ ۱۲ نوامبر ۱۹۹۵ رجوع شود.

^{۲۷} اجلاس گروه کارشناسان کشورهای مشترک المنافع در خصوص حق دانستن و ارتقاء دموکراسی و توسعه - لندن - ۳۰ و ۳۱ مارس ۱۹۹۹.

^{۲۸} منبع پیشین

^{۲۹} اجلاس وزاری دادگستری کشورهای مشترک المنافع - بندر اسپانیا - ۱۰ می ۱۹۹۹ پاراگراف ۲۱. همچنین به ضمیمه اول رجوع شود

۲-۱-۴- سازمان کشورهای آمریکایی^{۳۰}

این سازمان اعلامیه تأثیر گذاری را تحت عنوان اعلامیه آمریکایی حقوق و تکالیف انسان در سال ۱۹۴۸ در خصوص حقوق بشر تدوین کرد.^{۳۱} در این سند از آزادی تحقیق، عقیده و بیان حمایت به عمل آمده و با تصویب کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر^{۳۲} در سال ۱۹۶۹ به عنوان یک سند الزام آور، توجه به این مهم از سر گرفته شد.^{۳۳} ماده ۱۳ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر اشعار می دارد:

- ۱- هر کس حق بهره‌مندی از آزادی اندیشه و بیان را داراست. این حق شامل جستجو، دریافت و انتقال اطلاعات و اندیشه‌ها در هر زمینه‌ای بدون توجه به مرزها می شود حال چه کتبی باشد یا شفاهی، چاپ شده باشد یا در قالب یک کار هنری؛
- ۲- اعمال این حق نباید موضوع سانسور اولیه قرار گیرد ولی بار برخی مسئولیت‌ها تا جایی که بطور صریح در قانون مقرر شده باشد و آن هم برای حمایت لازم، قابل قبول می باشد، که از این قرارند:

الف - احترام به حقوق و حیثیت دیگران

ب - حمایت از امنیت ملی، نظم عمومی یا اخلاق و بهداشت عمومی

ادبیاتی که در این ماده بکار گرفته شده از شباهت‌های زیادی با شیوه بیان ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی دارد. دیوان آمریکایی حقوق بشر در نظریه مشورتی ۱۹۸۵ خود درباره تفسیر بند اول ماده ۱۳ چنین ابراز می کند که آزادی اطلاعات باید به عنوان یک حق بشری بنیادین که در یک جامعه آزاد مثل آزادی بیان حائز اهمیت است، برسمیت شناخته شود.^{۳۴}

سازمان غیردولتی منطقه‌ای انجمن مطبوعات آمریکایی، کنفرانسی را در زمینه آزادی بیان برگزار کرد که در اعلامیه نهایی آن یکسری اصول در مورد آزادی بیان به تصویب رسید.^{۳۵} این اصول، صریحاً آزادی اطلاعات را در حکم یک حق بنیادی که شامل حق دسترسی به اطلاعات تحت اختیار مقامات عمومی می شود می پذیرد:

- ۲- هر کس حق جستجو و دریافت اطلاعات، بیان عقاید و انتشار آنها را به طور آزادانه داراست و کسی نمی توند منکر این حقوق شده و آن‌ها را تهدید کند؛
- ۳- مقامات باید در جهت اطاعت از قانون، اطلاعات تحت کنترل بخش عمومی را در مدت زمان معین و به شیوه‌ای مناسب در دسترس عموم قرار دهند.

^{۳۰} Organization of American States. (O.A.S).

^{۳۱} مصوب نهمین کنفرانس بین‌المللی کشورهای آمریکایی - بوگوتا، کلمبیا، ۲ می ۱۹۴۸.

^{۳۲} American Convention on Human Rights. (A.C.H.R).

^{۳۳} مصوب ۲۲ نوامبر ۱۹۶۹ در سن خوزه، کاستاریکا که در ۱۸ جولای ۱۹۷۸ لازم‌الاجرا شد.

^{۳۴} عضویت اجباری در یک انجمن به تجویز قانون برای روزنامه‌نگاری - نظریه

مشورتی

OC - 5/85, 13 November 1985, para. 30.

^{۳۵} Mexico city, 11 March 1994.

تا تاریخ ۲۱ جولای ۲۰۰۱، ۲۱ کشور امریکایی این اعلامیه را امضاء کرده‌اند. در اکتبر ۲۰۰۰، کمیسیون آمریکایی حقوق بشر، اعلامیه اصول آزادی بیان^{۳۶} را که جامع‌ترین سند رسمی تا تاریخ خود را در خصوص آزادی اطلاعات در نظام حقوقی کشورهای امریکایی بود، پذیرفت. مقدمه این سند با وضوح کامل، پیشرفت‌هایی را که در زمینه آزادی اطلاعات انجام گرفته است مجدداً مورد تأیید قرار می‌دهد:

>متقاعد از اینکه حمایت از حق دسترسی به اطلاعات در اختیار دولت، امکان شفافیت و پاسخگویی بیشتر فعالیت‌های انجام گرفته از سوی دولت در برابر ملت و تقویت نهادهای دموکراتیک را تضمین می‌کند؛^{۳۷} تأیید مجدد ماده ۱۳ کنوانسیون امریکایی حقوق بشر که حق بهره‌مندی از آزادی بیان را مرکب از آزادی جستجو، دریافت و انتقال اطلاعات و اندیشه‌ها بدون توجه به مرزهای جغرافیایی - سیاسی و با هر وسیله ارتباطی ایجاد می‌کند.

۲-۱-۵- شورای اروپا^{۳۷}

این سازمان بین‌الدولی مرکب از ۴۳ عضو است که فعالیت‌های خود را به ارتقاء حمایت از حقوق بشر، آموزش و فرهنگ اختصاص داده است و یکی از اسناد مبنایی آن کنوانسیون اروپایی حقوق بشر می‌باشد.^{۳۸} این کنوانسیون در ماده ۱۰ خود آزادی بیان و اطلاعات را به این شرح به عنوان یک حق انسانی مورد تضمین قرار می‌دهد:

1- هر کس حق برخورداری از آزادی بیان را داراست. این حق شامل آزادی در داشتن عقاید و دریافت و انتقال اطلاعات و اندیشه بدون توجه به مرزها و بدون دخالت مقامات عمومی است. این ماده با مواد ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و ماده ۱۳ کنوانسیون امریکایی حقوق بشر این تفاوت را دارد که تنها حق دریافت و انتقال اطلاعات را مورد حمایت قرار می‌دهد نه حق جستجوی اطلاعات را. دیوان اروپایی حقوق بشر ادعاهایی را که مبنی بر حق دریافت اطلاعات تحت کنترل مقامات عمومی اقامه شده‌اند حداقل در سه پرونده کلیدی مورد توجه قرار داده است.^{۳۹} در هر یک از این قضیه‌ها دیوان، مفهوم آزادی بیان را به موجب کنوانسیون حقوق بشر که شامل حق دستیابی به اطلاعات هم بشود رد کرده است:

حق آزادی دریافت اطلاعات بطور اساسی یک دولت را از محدود کردن یک نفر از دریافت اطلاعاتی که دیگران می‌خواهند یا ممکن است بخواهند که به وی منتقل کنند، منع می‌سازد. ماده ۱۰ در اوضاع و احوالی نظیر این پرونده به افراد حق دسترسی را اعطا نمی‌کند و همچنین در متضمن تعهد دولت به انتقال اطلاعات به افراد نیست.^{۴۰} علی‌رغم اینکه این حق در پرونده‌های یاد شده مورد شناسایی واقع نشده اما با توجه به عبارت حکم دادگاه که مبتنی بر احوال حاکم بر این پرونده‌هاست ممکن است بتوان این نتیجه را گرفت که این حق تحت شرایط دیگری بطور محدود قابل پذیرش است.^{۴۱}

^{۳۶} 108 th Regular session, 19 October 2000.

^{۳۷} Council of Europe (C.O.E).

^{۳۸} European Convention on Human Rights (E.C.H.R.).

^{۳۹} E.T.S.No. 5, adopted 4 November 1950, entered into force 3 September 1953.

^{۴۰} - 26 March 1987, 9 EHRR 433-7 July 1989, 12 EHRR 36-19 February 1998, App.

No.14967,80.

^{۴۱} 26 March 1987, 9 EHRR 433, para. 74.

در دعوایی که به نام لیندر معروف است از پذیرش خواهان در یک شغل امتناع گردید که دلیل آن بر مبنای امنیت ملی دولت سوئد بود ولی وی از دسترسی به اطلاعاتی که در مورد زندگی شخصی اش در پلیس نگهداری می شد و موجب عدم استخدام وی گردید بر حذر داشته شد، این تصمیم با رأی دیوان با توجیه حمایت از امنیت ملی کشور سوئد مورد تأیید واقع شد.^{۴۲} پس از آن، خواهان دعوی دیگری به منظور جبران خسارت اقامه کرد که این باره دولت سوئد پذیرفت که نه در سال ۱۹۷۹ که وی از استخدام منع شده و نه پس از آن سال، هیچ دلیلی برای آنکه به آقای لیندر تهمت تهدید کننده امنیت بتوان زد وجود نداشته و رد تقاضای استخدام او را از موزه اشتباه دانستند. بنابراین به عنوان خسارت ۴۰۰ هزار کرون و سوئد معادل ۴ هزار دلار آمریکا از سوی دولت به وی پرداخت شد.^{۴۳} در سال ۱۹۹۴ چهارمین کنفرانس وزرای اروپا در خصوص خط مشی رسانه های عمومی فراگیر اعلامیه ای را تصویب کرد که کمیته ای از وزرا در صدد تهیه یک سند حقوق الزام آور یا هرتدیر دیگری که متضمن اصول پایه ای درباره حق دسترسی همگان به اطلاعاتی که در اختیار مقامات عمومی است برآمد.^{۴۴} این کمیته تعدادی از متخصصین را در خصوص دسترسی به اطلاعات رسمی تشکیل داد که منجر به تهیه پیش نویس توصیه نامه ای درباره دسترسی به اطلاعات شد و این پیش نویس جهت تصویب در سال ۲۰۰۱ به کمیته وزرا تقدیم شد. در بخش اصول کلی این پیش نویس آمده است :

کشورهای عضو باید حق همه را به امکان تقاضای اسناد رسمی که در اختیار مقامات عمومی است تضمین نمایند.

در قسمت محدودیتهای احتمالی در این پیش نویس اینچنین سخن رفته است :

کشورهای عضو ممکن است، اجرای کامل حق دستیابی به اسناد رسمی محدود کنند. محدودیتهایی که باید بطور مشخص در قانون قید شوند، باید از مواردی باشد که برای یک جامعه دموکراتیک ضرورت است و در راستای تأمین هدف حمایت از

موارد زیر باشند :

* امنیت ملی، دفاع و روابط بین المللی :

* امنیت عمومی ;

* پیشگیری، تحقیق و تعقیب فعالیتهای مجرمانه ;

* امور خصوصی و دیگر منافع شخصی مشروع ;

* منافع خصوصی یا عمومی تجاری یا دیگر منافع اقتصادی ;

* برابری طرفین دعوا در جریان رسیدگی در برابر دادگاه ;

* طبیعت و ماهیت امر ;

* بازرسی، کنترل و نظارت مقامات عمومی ;

* سیاستهای مربوط به نرخ مبادله و خط مشی های پولی و مالی کشور ;

^{۴۲} 26 March 1987, 9 EHRR 433. para, 48, 67.

^{۴۳} - "Eu Rights law Rests on Swedish lies", The Guardian, 30 December 1997.

^{۴۴} Declaration on Media in a Democratic Society , DH. MM (95) 4,7-8 December 1994, para. 16.

*محرمانه بودن مذاکرات میان مقامات عمومی؛

دسترسی به اطلاعات تنها در صورتی می‌تواند رد شود که افشای اطلاعات احتمال آسیب به هر یک از منافع و اهداف مورد اشاره در بالا را در برداشته باشد.

۳-۱-۱-۳-اطلاعات موضوعی خاص

۳-۱-۱-۳-اطلاعات مربوط به محیط زیست

طی دهه اخیر جهت‌گیری روزافزونی نسبت به دسترسی به اطلاعات زیست‌محیطی بوجود آمده و این امر، کلید توسعه پایدار و مشارکت عمومی مؤثر در امور زیست‌محیطی را شکل می‌دهد. این موضوع اولین بار در اعلامیه محیط زیست و توسعه‌ریو در سال ۱۹۹۲ در اصل دهم آن مورد توجه واقع شد که حاکی از آن است که مسایل زیست‌محیطی با مشارکت همگان به بهترین شکل ممکن حل می‌شود. در سطح ملی هر فرد باید دسترسی مقتضی به اطلاعات مربوط به مسایل خطرناک و رخدادهای جامعه داشته و از فرصت مشارکت در روند تصمیم‌سازی بهره‌مند گردد. دولت‌ها باید آگاهی عمومی و مشارکت را با قابل دسترسی نمودن گسترده اطلاعات، تسهیل و تشویق کنند. همینطور در صورت وجود ادعاهایی مبنی بر نقض این حقوق و اثبات آن، می‌بایست تشریفات قضایی و اجرایی مؤثری که جبران خسارت زیان‌دیدگان را در برداشته باشد مقرر گردد.^{۴۵}

سندی که یک سلسله اقدامات عملی را در خصوص اجرای اصول اعلامیه ریوروشن می‌سازد، دستور کار ۲۱ است که بیان می‌دارد:

افراد، گروه‌ها و سازمان‌ها باید به اطلاعات مربوط به محیط زیست و توسعه که در اختیار مقامات ملی است دسترسی داشته باشند. این اطلاعات شامل اطلاعات مربوط به تولیدات و فعالیت‌هایی که ممکن است آثار مهمی بر محیط زیست داشته و تدابیر حمایتی اطلاعات هستند، می‌شود.

در سطوح داخلی، کشورهای متعددی هستند که حداقل بخشی از مفاد اصل ۱۰ اعلامیه ریورادر قوانین خود وارد کرده‌اند. مثلاً کلمبیا در سال ۱۹۹۳ قانون ۹۹ را در خصوص مشارکت عمومی در مسایل زیست‌محیطی که در بردارنده مقرراتی در زمینه حق تقاضای اطلاعات است به تصویب رساند. یا در قانون اساسی جمهوری چک، حق تحصیل و کسب اطلاعات مربوط به محیط زیست مطرح شده است.^{۴۶} همچنین در این دوران شاهد پیشرفت‌هایی در سطح منطقه‌ای نیز بوده‌ایم. متعاقب اعلامیه ریو و دستور کار ۲۱، در سال ۱۹۹۸ کشورهای عضو کمیسیون برای اروپا اقتصادی ملل متحد و اتحادیه اروپا یک کنوانسیون الزام‌آور حقوقی در مورد دسترسی به اطلاعات، مشارکت عمومی در اتخاذ تصمیم و دسترسی به عدالت در مسایل زیست محیطی را امضاء کردند.^{۴۷} این کنوانسیون در مقدمه خود، اصل ۱۰ اعلامیه ریو را یادآوری کرده و با برسمیت شناختن حق

^{۴۵} UN Doc. A/Conf. 151/26 (Vol.1).

^{۴۶} پیشین، ج ۳، پاراگراف ۲/۲۳

^{۴۷} Report of the Secretary - General , Rio Declaration on Environment and development application and implementation, commission on Sustainable Development, UN Economic and Social Council, E/CN. 17/ 1997/8.10 February 1997, paras. 65-66.

هر شخص به زندگی در محیط زیستی که برای سلامت و رفاه وی مناسب باشد و با توجه به اینکه شهروندان توانایی ادعای این حق و رعایت این حق را داشته باشند مقرر می‌دارد که همگان می‌بایست به اطلاعات دسترسی پیدا کنند.

در ادامه قید شده است که در زمینه مسایل محیط زیست، دسترسی به اطلاعات و مشارکت عمومی بیشتر در تصمیم سازی، کیفیت و سطح اجرای تصمیمات را ارتقاء خواهد داد. به عبارت دیگر، آگاهی عمومی از مسایل زیست محیطی به عموم مردم این فرصت را می‌دهد تا نگرانی‌های خود را در این باره بیان کرده و مقامات را به لحاظ نمودن این نکات در تصمیم گیری‌های خود فرا خوانند. این امور با هدف مسئولیت پذیری، پاسخگویی و شفافیت بیشتر در تصمیم سازی انجام می‌گیرد.

۳-۱-۲- اطلاعات مربوط به حقوق بشر

گرایشی در ردرون جامعه بین‌المللی، به منظور برسمیت شناختن جنبه خاصی از حق آزادی اطلاعات در رابطه با حقوق بشر قابل رؤیت است. مجمع عمومی ملل متحد نیز در سال ۱۹۹۸ اعلامیه حقوق و مسئولیت افراد، گروه‌ها و نهادهای جامعه را جهت ارتقاء و حمایت جهانی حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین را بتصویب رساند. در ماده ۶ بطور خاص برای دسترسی به اطلاعات در حوزه حقوق بشر مقرر است:

هر فردی حق دارد بطور فردی یا جمعی به موارد زیر مبادرت ورزد :

الف - دسترسی به اطلاعات مربوط به حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین را از جمله اینکه چگونه این حقوق و آزادی‌ها در قوانین داخلی، نظامهای قضایی و اداری نگهداری به اجرا درمی‌آید، حق دارد بدانند، جستجو کنند، کسب نمایند .

ب - همان طور که در اعلامیه حقوق بشر و دیگر اسناد بین‌المللی مقرر شده بتواند آزادانه به چاپ، نقل و قول یا نشر اطلاعات و دانش مربوط به حقوق بشر و آزادیهای اساسی اقدام نماید.

ج - بتواند بحث، بررسی و انتخاب عقیده در مورد اجرای حقوق بشر و آزادی‌های اساسی پردازد و از این طریق به جلب توجه مردم مبادرت نماید. بنابراین در این ماده حق جستجو، تحصیل و دریافت اطلاعات مربوط به حقوق بشر را در جهت ارتقاء و حمایت از حقوق بشر به رسمیت می‌شناسند. در آفریقای جنوبی، دولت به تسهیل امکان دستیابی به اطلاعات به افراد که جهت اجرا یا حمایت از هر حقی، تعهد دارد. نمونه قابل ذکر، اصل ۳۲ قانون اساسی آفریقای جنوبی سال ۱۹۹۶ است که اشعار می‌دارد :

۱. هر کس حق دسترسی دارد به...

الف - هر اطلاعاتی که توسط دیگری نگهداری می‌شود و برای اعمال یا حمایت از هر حق دیگر لازم باشد. <... بدیهی است که وضع چنین مقرراتی، دسترسی افراد را به هر اطلاعاتی که دولت در اختیار دارد و با رعایت موازین حقوق بشر و مربوط به تجاوز این حقوق باشد، بطور مؤثری تأمین می‌کند. در این باره لازم به ذکر است که کافی نیست افراد، صرفاً به اطلاعاتی که در حال حاضر در اختیار دولت است دسترسی داشته باشند بلکه دولت باید امکان دسترسی افراد را به اطلاعاتی که در برگیرنده موارد نقض حقوق بشر در گذشته است را جهت گردآوری، انتشار و غیره تضمین نماید.

۴-۱- دسترسی به اطلاعات در حوزه حقوق داخلی

۴-۱-۱-قوانین اساسی

در خیلی از کشورها حق آزادی اطلاعات در قوانین اساسی آنها و آن دسته از احکام دادگاه‌ها که به دنبال حمایت‌های کلی از آزادی بیان بوده‌اند مورد توجه و پذیرش واقع شده است. این تمایل بیشتر از سوی دولت‌های جدید دموکراتیک یا آن دسته از کشورهایی که در مرحله گذار و انتقال به دموکراسی هستند، دیده می‌شود. البته در مقابل، تعدادی از دولت‌ها هم در نظام اجرایی، قضایی یا تقنینی، نسبت به تضمین حق آزادی اطلاعات از خود بی میلی نشان داده‌اند، به عنوان مثال در ایالات متحده، دیوان عالی این کشور چنین نظر داده است که اصلاحیه اول قانون اساسی که تضمین کننده آزادی بیان مطبوعات است، حق دسترسی به اطلاعات دولتی یا منابع اطلاعاتی تحت کنترل دولت را ضروری نمی‌داند.^{۴۸} در سال ۱۹۶۹ که دیوان عالی ژاپن در دو پرونده، اصل حق دانستن^{۴۹} را بر اساس تضمین آزادی بیان که در اصل ۲۱ قانون اساسی مورد حمایت قرار گرفته است تأسیس نمود.

در سال ۱۹۸۲ دیوان عالی هند، حق دسترسی به اطلاعات را به عنوان یکی از بخش‌های حیاتی حق بنیادی آزادی بیان در اصل ۱۹ قانون اساسی بنیان نهاد:

مفهوم یک دولت و جامعه آزاد، بطور مستقیم از حق دانستن نشأت گرفته که آشکارا در حق آزادی بیان به موجب قسمت الف بند یک اصل ۱۹ مورد تضمین است بیان می‌شود. بر همین اساس، افشای اطلاعاتی که مرتبط با وظایف دولت هستند باید قاعده گذاری شده و اختفاء یک استثناء است که تنها در صورت اقتضا در محدودترین شرایط مربوط به منافع عمومی توجیه می‌شود. رهیافت دیوان باید در جهت تضعیف حتی المقدور حوزه اختفاء در راستای منافع عمومی بوده و البته همواره دیوان در ذهن خود دارد که خود امر اختفاء یک بعد مهم از منافع عمومی را تشکیل می‌دهد.^{۵۰}

دادگاه قانون اساسی کره جنوبی در دو پرونده در سالهای ۱۹۸۹ و ۱۹۹۱ حق دانستن را که ذات ثدر حمایت از آزادی بیان در اصل ۲۱ قانون اساسی گنجانیده شده قاعده مند کرده و مقرر می‌دارد که این حق، تحت شرایط و اوضاع و احوال خاص ممکن است مورد تجاوز قرار گیرد. این موضوع در نظام قضایی کشور زیمبابوه نیز مورد توجه قرار گرفته شده است.^{۵۱} تعدادی از کشورها بطور خاص، حق بهره‌مندی از اطلاعات را مورد شمول آن دسته از حقوق بشری مورد حمایت در قوانین اساسی خود جای داده‌اند. سوئد در این مورد یک مثال جالب است که علاوه بر آن که سراسر قانون آزادی مطبوعات آن، محتوی مقررات جامعی در خصوص آزادی اطلاعات است، همچنین این حق در قانون اساسی نیز دارای جایگاه می‌باشد. برای نمونه، قوانین اساسی بلغارستان^{۵۲}،

^{۴۸} UN Doc. ECE/CEP/43, adopted at the Fourth Ministerial Conference in the "Environment for Europe process, 25 June 1998."

^{۴۹} بخشی از اصلاحیه اول ابراز می‌دارد:

>کنگره نباید هیچ قانونی وضع کند... که به محدودیت در آزادی بیان یا مطبوعات یا حق مردم به تشکیل مجامع صلح آمیز یا صدور دادخواست نسبت به دولت جهت جبران خسارت موارد نقض منجر شود

^{۵۰} Shiru kenri.

^{۵۱} Lrepet, Local Government Disclosure systems in Japan, National Bureau of Asian Research, paper Number 16, October 1999, p. 3.

^{۵۲} S. P. Gupta v. president of India [1982] AIR (sc), p. 234.

استونی^{۵۳}، مجارستان^{۵۴}، لیتوانی^{۵۵}، مولداوی^{۵۶}، لهستان^{۵۷} و فدراسیون روسیه^{۵۸}، حق دسترسی به اطلاعاتی را که در اختیار دولت است تضمین کرده‌اند.

۴-۱-۲- قوانین ملی

در خصوص آزادی اطلاعات در برخی کشورها ممکن است موادی از یک قانون عادی به آن اختصاص یافته باشد یا آن که قانون عادی خاصی در این زمینه به تصویب رسیده باشد. در آسیا بعضی از کشورها مثل فیلیپین در سال ۱۹۸۷، هنگ کنگ در سال ۱۹۹۵ و تایلند در سال ۱۹۹۷ قانون آزادی اطلاعات را تصویب کرده‌اند یا در کره جنوبی در سال ۱۹۹۸ و در ژاپن در سال ۲۰۰۱ این چنین قوانینی به اجرا درآمده است. در منطقه خاورمیانه، تنها کشوری که برخوردار از مقررات آزادی اطلاعات است، اسرائیل می‌باشد که قانون خود را در می ۱۹۹۸ به تصویب رسانیده است.^{۵۹}

۵-۱- محتوای حق بهره‌مندی از اطلاعات

با مجموعه تفاسیری که ارائه شد، روشن می‌شود که همه اشخاص و افراد از حق بشری آزادی اطلاعات، شامل دسترسی به اطلاعاتی که در اختیار مقامات عمومی است برخوردارند. گزارشگر ویژه ملل متحد در خصوص آزادی عقیده و بیان، فعالیت‌های گروه متخصصین و کارشناسان شورای اروپا در زمینه دسترسی به اطلاعات رسمی، کنوانسیون‌ها، اسناد سازمان‌های بین‌الدولی و خیلی از قوانین ملی به شرح و بسط مفهوم این حق پرداخته و حدود آن را ترسیم کرده‌اند.

۶-۱- آزادی اطلاعات در اسلام

همان‌طور که پیش از این گفته شد، یکی از پایه‌های دموکراسی معاصر را مشارکت همگانی تشکیل می‌دهد و این مهم دست یافتنی نخواهد بود مگر اینکه مردم از جریان امور مطلع بوده و بر همین مبنا مبادرت به انتخاب زمامداران کنند. شورا یکی از نهادهایی است که در ارتباط تنگاتنگ با مشارکت عموم در تعیین سرنوشت سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جامعه بوده و در اسلام نیز از جایگاه والایی برخوردار است. ماهیت حکومت اسلامی که وابسته به گروه و طبقه خاصی نیست و امانتی الهی و مردمی در دست صالحان و متقیان است هرگز با استبداد و خودکامگی سازگار نیست و از این رو خود زمینه مشارکت همه قشرهای مردمی را در تمام مراحل تصمیم‌گیری‌های سیاسی و سرنوشت‌ساز فراهم می‌آورد و از آنجا که هدف نظام سیاسی اسلام که رشد دادن انسان در حرکت تکاملی و رسیدن به قسط و عدل در تمامی ابعاد زندگی است جز از طریق مشارکت فعال و گسترده تمامی عناصر اجتماع در روند تحول جامعه سیاسی نمی‌تواند تحقق یابد، اصل شورا

^{۵۳}. اصل ۴۱

^{۵۴}. اصل ۴۴

^{۵۵}. بند یک اصل ۶۱

^{۵۶}. بند ۵ اصل ۲۵

^{۵۷}. اصل ۳۴

^{۵۸}. اصل ۶۱

^{۵۹} Law 5758-1998

برای حکومت اسلامی، نهادی اجتناب‌ناپذیر خواهد بود.^{۶۰} قرآن در زمینه تبیین خصایص مؤمنین، اصل شورا را ناشی از ایمان و جامعه اسلامی می‌داند^{۶۱} و همچنین پیامبر را به استقرار نظام شورا فرا می‌خواند.^{۶۲} در روایات متعددی، خودرأیی نفی شده و بر مشورت نمودن با دیگران تأکید شده است.^{۶۳}

بدون تردید هر شوری، مستلزم داشتن اطلاعات لازم و صحیح و دسترسی به اسناد و مدارک مربوط است. این اقدام متضمن آزادی‌ها و اختیاراتی است که آزادی اطلاعات یکی از آنهاست و در اسلام قلمرو شور با توجه به اینکه آزادی‌ها محکوم به محدودیتهایی هستند در دو مورد محدود می‌شود:

1- در مورد الزامات شرعی و احکام ثابت الهی که با شور قابل تغییر نیست و اصل شورامی تواند تنها راه اجرا و برنامه‌ریزی آن را مشخص نماید.

2- الزامات و فرامینی که بر اثر تصمیم‌گیری پیامبر (ص) و امام (ع) و ولی فقیه در حوزه عناوین ثانوی و احکام متغیر^{۶۴} و اوامر حاکم شرع صادر می‌گردد.^{۶۵}

در واقع اینها محدودیت‌هایی است که از دیدگاه اسلام می‌توان بر اعمال مطلق حق آزادی اطلاعات وارد نمود. فلسفه شورا در موارد زیادی با اصول بنیادین دموکراسی و حق آزادی اطلاعات در یک حکومت شایسته مرتبط است. می‌توان حکمت نهفته تکلیف الهی شورا در مورد زیر خلاصه نمود: ۱- شخصیت دادن به امت. ۲- آزمایش اصحاب برای تشخیص مصالح‌اندیشان از فرصت‌طلبان ۳- رشد فکری مردم ۴- استفاده از مشارکت فکری مردم و پرهیز از تحمیل و فشار ۵- آگاه کردن مردم از آنچه در کار حکومتی می‌گذرد ۶- پرهیز از استبداد ۷- ایجاد انتقاد منطقی ۸- احترام به نظرات مردم ۹- القای فضیلت نظرخواهی به مردم ۱۰- ارشاد زمامداران و مسئولان سیاسی در مشورت با مردم.^{۶۶} از نتایج مفید محوریت اصل شورا و به تبع آن، توسعه آزادی اطلاعات، پرهیز از تمرکز قدرت و روی آوردن به محیط اجتماعی به منظور بهره‌جویی از استعدادهای خلاق مردمی برای گشایش مشکلات و حل معضلات خود آنان می‌باشد.^{۶۷} نهاد دیگری در اسلام که مستلزم تقویت آزادی اطلاعات می‌باشد، امر به معروف و نهی از منکر است که امر نظارت همگانی و متقابل را در جامعه محقق

^{۶۰} عمید زنجانی، عباسعلی، فقه سیاسی، انتشارات امیرکبیر، ج ۱، ۱۳۷۷، صص 462-463.

^{۶۱} سوره شورا، آیات، صص ۳۸-۳۹.

^{۶۲} سوره آل عمران، آیه ۱۵۹.

^{۶۳} بحارالانوار، ج ۷۲، ص ۹۴ - غرر الحکم و دررالکلم آمدی، ج ۷، ص ۱۸۳ - مسند احمد بن حنبل، ۱۳-۵/۲۷۴ و غیره.

^{۶۴} علامه طباطبایی، بررسی‌های اسلامی، مقاله ولایت و زعامت، ص ۱۸۰.

^{۶۵} عمید زنجانی، عباسعلی، فقه سیاسی، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۷، ص ۴۶۶.

^{۶۶} استادی، رضا - شوری در قرآن، انتشارات هجرت، ۱۳۶۰.

^{۶۷} هاشمی، سیدمحمد، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، ج ۲، نشر دادگستر، 1380، ص ۴۸۹.

می‌سازد. بدون تردید نظارت دولت بر مردم، مردم بر دولت و مردم بر مردم نیاز به این پیش زمینه دارد که افراد بتوانند از کلیه اطلاعاتی که به منافع عمومی مربوط می‌شود، دسترسی داشته باشند. روایات اسلامی مختلفی در صدر اسلام وجود دارند که مبین ضرورت نظارت همگانی در فرهنگ اسلام است. حضرت علی در فرمان خود به مالک اشتر می‌فرماید: برگزیده‌ترین وزارت از کسانی باشد که سخن تلخ حق به تو بیشتر گوید و کمتر ترا در گفتار و کردارت که خدا برای دوستانش نمی‌پسندد، بستاید اگرچه سخن تلخ و کمتر ستودن موجب دلتنگیت شود.^{۶۸} همچنین روایتی از امام حسین (ع) در خصوص نظارت مردم بر دولت وجود دارد.^{۶۹}

۷-۱- آزادی اطلاعات در حقوق ایران

آزادی اخبار و اطلاعات، بخشی از آزادی فکر و آن عبارت از نشر عقاید و افکار بوسیله ابزار و وسایلی به جز از راه بیان شفاهی است. مانند کتاب، روزنامه، مجله، اعلان، سینما، تئاتر، رادیو، تلویزیون و سایر وسایل ارتباط جمعی سمعی و بصری.^{۷۰} در پیرامون این مطلب، شهروندان باید حق دسترسی به صادقانه‌ترین اخبار و اطلاعات داخلی و خارجی را داشته و آزادی مطبوعات، چاپ و نشر و ایجاد مؤسسات انتشاراتی جزء لاینفک اینگونه آزادی هاست. شاید این مفهوم فقهی در اینجا بکار آید که اذن در شیء اذن در وسایل و مقدمات آن نیز دارد. باید تا جای ممکن، سانسور مطالب ممنوع باشد و توسط قوانین و مقررات سنجیده‌ای اجازه داده نشود تا روزنامه، هفته‌نامه‌ها و ماهنامه‌ها به قدرت‌های مالی وابسته شوند. باید مقررات دقیق و همه‌جانبه‌ای درباره نیرومندترین وسایل ارتباط جمعی یعنی رادیو و تلویزیون، البته در چارچوب حقوق و آزادی‌ها تدوین گردد.^{۷۱} در دنیای حاضر، مطبوعات را رکن چهارم آزادی و دموکراسی می‌دانند زیرا واکنش‌های مردم هنگام انتخابات و همه‌پرسی و تصمیم‌گیری‌های مهم منوط به آزادی مطبوعات و دسترسی شهروندان به واقعیت‌های اخباری است.^{۷۲} اگر بخواهیم تقسیم‌بندی کلاسیک مصادیق حقوق بشر را در قالب حقوق نسل اول، دوم و سوم یا حقوق منفی و مثبت مورد توجه قرار دهیم می‌بایست حق بهره‌مندی از اطلاعات و آزادی اطلاعات را از حقوقی دانست که نیازمند تعهد دولت در جهت تحقق بیشتر و بهتر آن باشد. پس این حق در دسته حقوق مثبت قرار می‌گیرد که دولت را موظف به فراهم نمودن وسایل و زمینه‌های اعمال این حق می‌سازد.^{۷۳} از سوی دیگر اجرای این حق، منجر به تکوین حق دیگری خواهد بود که داخل در سیاست‌های کلیدی و اجرایی دولت قرار می‌گیرد و آن حق آگاهی عمومی است. به عبارتی می‌توان حق آزادی اطلاعات را وسیله و مقدمه‌ای بر حق آگاهی عمومی دانست. رشد فکری در هر حکومت مردمی یکی از

^{۶۸} نهج البلاغه، فیض ۹۹۹

^{۶۹} تاریخ طبری، ج ۷، ص ۲۰۰

^{۷۰} طباطبایی مؤتمنی، منوچهر، آزادی‌های عمومی و حقوق بشر، انتشارات دانشگاه

تهران، ۱۳۷۵، ص ۱۰۳.

^{۷۱} قاضی، ابوالفضل، بایسته‌های حقوق اساسی، نشر دادگستر، ۱۳۷۷، ص ۱۶۳

^{۷۲} دوورژه، موریس، ترجمه قاضی، ابوالفضل، جامعه‌شناسی سیاسی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۷، صص ۳۲۸ تا ۳۱۰.

^{۷۳} به نظر گروهی حق آزادی ارتباطات که در ارتباط نزدیکی با حق آزادی اطلاعات است از مقولات نسل سوم حقوق بشر است

ضروریات به حساب می‌آید. این مبحث در بند دوم اصل سوم قانون اساسی مورد یادآوری قرار گرفته است. همین‌طور قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل ۲۴ نشریات و مطبوعات را در بیان مطالب آزاد می‌گذارد با این شرط که مبنای اسلام مورد رعایت قرار گیرد و همین‌طور در اصل ۱۷۵ تأمین آزادی بیان و نشر افکار را با رعایت موازین اسلامی و مصالح کشور مقرر می‌دارد. در کنار نقش که رسانه‌های گروهی در ارتقاء آگاهی عمومی دارند باید گفت که افکار عمومی نیز یکی از سرنوشت‌سازترین نیروهای مردمی است که می‌تواند در آگاهی عمومی مؤثر باشد. افکار عمومی عبارت از قدرت گمنام باطنی و نیروی سیاسی ملی است که در هیچ قانون‌پیش‌بینی نشده است.^{۷۴} قطع آموزش هم می‌تواند از ارتباط تنگاتنگی با آزادی اطلاعات و حق آگاهی عمومی برخوردار باشد که در اسناد مهم بین‌المللی حقوق بشر، حق آموزش مورد توجه قرار گرفته و قانون اساسی نیز این مهم را در بند دوم اصل سوم و اصل سی‌ام مطرح کرده است. در همین راستا ماده ۵ قانون خط مشی کلی و اصول برنامه‌های صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۱/۴/۱۷ یکی از اصول کلی حاکم بر برنامه‌های صدا و سیما را کمک به گسترش آگاهی و رشد جامعه در زمینه‌های گوناگون به عنوان یک دانشگاه عمومی برمی‌شمارد. مواد ۱۶ تا ۱۹ همین قانون بر انعکاس اخبار صحیح از سراسر دنیا به شرط عدم مباحث با اسرار نظامی، تهمت به افراد گروه‌ها و نهادهای، اصول اخلاقی و غیره تأکید دارد.

۸-۱- نتیجه‌گیری

در یافتیم که جامعه جهانی به این سمت پیش می‌رود که حق آزادی اطلاعات را به عنوان یک حق بنیادی بشری و در ارتباط عمیق با کرامت ذاتی انسان به رسمیت شناخته و این مهم کمک خواهد کرد تا دموکراسی و اصول بنیادینی چون شفافیت، پاسخگویی دولت و مشارکت آگاهانه عمومی در تعیین سرنوشت جوامع به نحو بهتری صورت پذیرد. بنابراین در راستای اهمیت فراوان این موضوع است که تلاش‌های پیگیر سازمان ملل متحد و دیگر سازمان‌های بین‌الدولی و غیردولتی منطقه‌ای، قوای مقننه کشورها و حتی نهادهای قضایی کشورها و سازمان‌های بین‌المللی را به منظور پذیرش بیشتر و دقیق‌تر این موضوع به وضع مقرراتی دست یازیده‌اند.

این آزادی در موارد چندی از حساسیت بیشتری برخوردار است که موجب شده موازین بین‌المللی در این زمینه‌ها از قبیل حقوق محیط زیست و حقوق بشر از غنای بیشتری برخوردار گردند. در پایان به نظر می‌رسد که بتوان یکسری اصول مبنایی برای قانونگذاری در خصوص آزادی اطلاعات در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی را به شرح زیر یادآور شد:

۸-۱-۱- اصل حداکثر افشاء

این اصل متضمن این فرض است که تمام اطلاعاتی که در اختیار مقامات عمومی است مورد افشاء قرار می‌گیرند و استثنائات بر عهده رکن عمومی جهت توجیه یا انکار اعمال این حق است.

۸-۱-۲- اصل استثنائات مضیق

^{۷۴} سووی، آلفرد، ترجمه شمیرانی، جمال، افکار عمومی و اثر آن در زندگی

اجتماعی - شرکت سهامی کتابهای جیبی، ۱۳۵۴، ص ۲.

تقاضای اطلاعات می‌بایست با پاسخ مثبت مقامات روبرو شوند و در غیر این صورت، عدم‌پذیرش تقاضا باید در راستای این سه معیار قابل توجه باشد:

*اطلاعات باید مربوط به هدف مشروع مطروحه در قانون باشد.

*افشاء باید تهدیدکننده آسیب اساسی به آن هدف باشد.

*این صدمه باید بیش از لطمه‌ای باشد که ممکن است با افشای اطلاعات به منافع عمومی وارد شود. بدون شک آن دسته محدودیتها در افشای اطلاعات که مربوط به خطاهای ارتكابی از سوی دولت است، قابل توجه نمی‌باشند.

۸-۱-۳- اصل تعهد به انتشار

ارکان عمومی بر اساس اصل آزادی اطلاعات، ملزم به انجام اموری بیش از رضایت صرف در برابر پذیرش تقاضای اطلاعات هستند. آنها باید مجموعه‌های کلیه اطلاعات را خصوصاً آن دسته‌اطلاعاتی که با منافع عمومی در ارتباط است، منتشر سازند. این مجموعه‌ها شامل اطلاعات اجرایی، هزینه‌ها، اطلاعاتی از شاکیان و محتوای تصمیم‌هایی است که عموم را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

۸-۱-۴- اصل دسترسی آسان

تمام تقاضاها برای اطلاعات باید سریع و منصفانه توسط افراد مسئول شاغل در ارکان عمومی، جهت پاسخ به تقاضای و رعایت قوانین در جریان قرار گیرند. در مورد عدم پذیرش، جریان پژوهش خواهی از یک رکن اجرای مستقل یا از یک دادگاه باید تأسیس گردد.

۸-۱-۵- اصل گسترش دولت باز

قوه مقننه در خصوص آزادی اطلاعات می‌بایست مقرراتی به منظور مطلع ساختن عموم درباره حقوق دسترسی آنها و اشاعه فرهنگ شفافیت در دولت وضع کند. قانون آزادی اطلاعات در حداقل معنای خود باید متضمن موازینی برای تحصیل و توزیع اطلاعات مربوط به حق دسترسی اطلاعات، محدوده اطلاعات قابل دسترسی و شیوه‌هایی که این حق می‌تواند رعایت گردد، باشد. همچنین جهت غلبه بر فرهنگ اختفاء در دولت، قانون آزادی اطلاعات باید مستلزم آموزش مستخدمین عمومی و تشویق به تصویب مجموعه قوانین داخلی در مورد دسترسی و آشکارگی باشد.

۸-۱-۶- اصل حمایت

مقرراتی که در زمینه آزادی اطلاعات وضع می‌شوند باید در بردارنده حمایت‌هایی از افراد و اشخاص در برابر مجازات‌های حقوقی، اجرایی یا مرتبط با استخدام برای افشای اطلاعات مربوط به خطاهای ارتكابی از سوی مقامات عمومی باشد.

۸-۱-۷- اصل عطف بماسبق شدن افشاء

تمام قوانین باید سازگار با مقررات افشاء تفسیر شود. در صورت تعارض بین قانون آزادی اطلاعات و قانون اختفاء اصل بر ترجیح قانون آزادی اطلاعات است.

۸-۱-۸- اصل جلسات آزاد

در فعالیت‌های تفنینی آزادی اطلاعات باید این فرض را رعایت کرد که درهای تمام جلسات مقامات دولتی به روی عموم باز است و بنابراین مردم می‌توانند از روند عملکرد مقامات مطلع بوده و توانایی مشارکت در فرآیند تصمیم‌گیری را بیابند. البته در صورت وجود دلایل کافی که در قانون مقرر شده باشد، ممکن است جلسات بطور آزاد برگزار شوند.

۸-۱-۹- اصل تناسب هزینه‌ها

هزینه دسترسی به اطلاعات نباید آنقدر سنگین باشد که موجبات انصراف از تقاضا را فراهم آورد. تقاضاهایی که مرتبط با منافع عمومی است باید مجانی یا ارزان باشد در حالی که ممکن است برای تقاضاهایی که مربوط به اطلاعات تجاری است، لازم باشد که هزینه‌های بیشتری پرداخت گردد. در یک جمله می‌توان گفت که توسعه سریع حقوق آزادی اطلاعات به عنوان یک بخش حیاتی از حق بنیادی آزادی بیان در دوران اخیر، مهمترین توسعه دموکراتیک به حساب می‌آید.